

## الگوهای قدرت در روابط بین نسلی، بازنمایی سریالهای ایرانی تلویزیون:

### مطالعه شبکه های ۳۱ و ۳

دکتر فرورزنده جعفرزاده پور<sup>۱</sup>، منصور ساعی<sup>۲</sup>، رضا جاروندی<sup>۳</sup>

#### چکیده

وسایل ارتباط جمعی به عنوان ابزاری قدرتمند جهت الگو فرستی در جامعه مطرح می باشد. رخ داد تحولات عظیم در سطوح ملی و بین المللی سبب تغییر در منابع جامعه پذیری افراد و تعاملات بین نسلی شده است. به دلیل نقش دوگانه تلویزیون به عنوان یک آینه بازتاب کننده (رفتارها، الگوها و ارزشهای جامعه) و یک عامل تاثیرگذار (بر جامعه که در دراز مدت تغییر ارزشها در جامعه را سبب می شود) ارزیابی و سنجش پیام های ارسالی از طریق تلویزیون به خانه های ایرانیان بسیار اساسی و مهم است. به همین دلیل یکی از راه های شناخت انواع روابط بین نسلیها از منظر قدرت و به تفکیک جنسیت، بررسی الگوهایی است که توسط رسانه ها برای افراد جامعه فرستاده می شود. مطالعه حاضر تلاش دارد که روابط به تصویر کشیده شده بین نسلیها را در سریالهای تلویزیونی از منظر قدرت و به تفکیک جنسیت مورد بررسی قرار دهد. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل ۴ سریال ایرانی پخش شده در سال ۱۳۸۵ از شبکه های ۳۱ و ۳ است که به روش تحلیل محتوا کمی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته ها نشان می دهد که به طور کلی رابطه سلطه جویانه بیشتر از رابطه سلطه پذیر به ثبت رسیده است. سلطه پذیری درون نسلی جوانان حداقل موارد ثبت شده است. تلاش میانسالان مونث برای برقراری رابطه سلطه جویانه درون نسلی بیشتر از جوانان است. میانسالان مذکر بیشترین رابطه سلطه جویانه درون نسلی را داشته اند به طوری که بیش از یک سوم روابط آنان رابطه سلطه جویانه بوده است.

**واژگان کلیدی:** روابط نسلی، قدرت، جنسیت، سریالهای تلویزیونی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۲/۳۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۱/۲۸

<sup>۱</sup> استادیار و مدیر گروه جوانان و مناسبات نسلی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی (نویسنده عهده دار مکاتبات)

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی و عضو گروه جوانان و مناسبات نسلی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

<sup>۳</sup> عضو هیات علمی گروه جوانان و مناسبات نسلی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

### طرح مسئله

ارزشها و هنجارهای اجتماعی در هر جامعه ای از طریق انتقال از نسلی به نسل دیگر تداوم می یابد. بنابر این تداوم هر جامعه ای در گرو جریان انتقال فرهنگی در آن جامعه است. جریان این انتقال همیشه و در تمام جوامع یکسان نیست. انتقال ارزش ها و هنجارها از نسلی به نسل دیگر بدون تغییر و کامل صورت نمی گیرد. بدیهی است هر نسلی کاملاً از ارزش ها و هنجارهای نسل گذشته خود پیروی نمی کند. به همین دلیل باید پذیرفت که تداوم فرهنگی به معنای تغییر ناپذیری و انتقال بدون تغییر نیست. حتی در جوامع سنتی، نسل جدید ارزش ها و هنجارهای نسل گذشته را به طور کامل نمی پذیرد و برخی از آنها را مردود می شمارد و در بعضی دیگر نوآوری هایی ایجاد می کند (جعفرزاده، ۱۳۸۸، ص ۲۳).

از آنجا که فرهنگ و تمدن یک جامعه از طریق تعاملات بین نسلی انتقال و تداوم می یابد توجه به مسئله نسله‌ها و روابط فی ما بین آنها بسیار مهم و اساسی است به همین دلیل این موضوع در طی سالیان اخیر مورد اقبال محققین و صاحب نظران قرار گرفته و مطالعاتی در این زمینه انجام شده است. به دلیل تازگی موضوع، محققین برای بررسی آن از شاخص ها و جوامع آماری مختلفی استفاده نموده و به نتایج متفاوتی رسیده اند. عده ای بر این عقیده اند که روابط نسله‌ها در جامعه امروز ایران از نوع توافقی است در حالیکه سایر مطالعات روابط تفاوتی و تعارضی عنوان نموده اند حتی برخی از مطالعات این روابط را در حد گسست و تعارض دانسته اند. بی تردید برای اظهار نظر قطعی در مورد وضعیت و چگونگی روابط بین نسلی و الگوی غالب آن در کشور نیاز به مطالعات بیشتری است.

تاثیر رسانه ها در الگوی روابط بین نسلی مهم است. بی شک رسانه های دیداری و شنیداری به عنوان یکی از عوامل قدرتمند در جامعه پذیری نسل جوان امروز نقش موثری ایفاء می کنند. در بین رسانه های دیداری و شنیداری نقش تلویزیون به دلیل انتقال پیام به صورت دیداری و شنیداری و سهولت دسترسی آن قابل توجه است. اگر تلویزیون یک قصه گوی فرهنگی فرض کنیم، برنامه هایی که از تلویزیون پخش می شوند هم بازتاب کننده ارزش ها و ایده های یک جامعه بوده و هم نگرش ها و اعتقادات مشاهده کنندگان را شکل می دهند. بنابراین می توان اظهار داشت محتوای ظاهری و معنای درونی برنامه های تلویزیونی حاوی پیام هایی در ارتباط با اولویتهای فرهنگی گروه های مختلف، رفتارها و ایدئولوژی های آنان است. به همین ترتیب چگونگی توصیف و

معرفی گروه‌ها و طبقات مختلف اجتماع در تلویزیون می‌تواند بر تصور آنان از خود و نیز نگاهی که بینندگان گروه‌های دیگر از آنان دارند موثر باشد. تاثیر تلویزیون به گونه‌ای است که کسانی که بیشتر تلویزیون تماشا می‌کنند بر این عقیده‌اند که چیزهایی که در برنامه‌های تلویزیونی نشان داده می‌شوند بازتاب جهان خارج است و اعتقادات خود را بر اساس اطلاعات ارائه شده از تلویزیون شکل می‌دهند (Katharine, 2000).

مطالعات نشان می‌دهد که جوانان و نوجوانان بیشترین درصد مشاهده کنندگان تلویزیون را تشکیل می‌دهند (دیباچی و دیگران، ۱۳۸۳، ص ۶). با توجه به ویژگی گروه سنی این گروه، و نقش آنان در تداوم فرهنگ و تمدن ایرانی، ارزیابی و سنجش پیام‌های ارسالی از طریق تلویزیون به خانه‌های ایرانیان بسیار اساسی و مهم است. بررسی سریالهای تلویزیونی نشان خواهد داد که این رسانه در طی سالهای گذشته چه الگوهایی برای روابط بین نسلی (توافقی، تفاوتی و تعارضی) به مخاطبین خود نمایش داده و چه الگوهایی را به عنوان ارزش و هنجارهای اجتماعی برای نسلی فرستاده است. به همین دلیل یکی از راه‌های شناخت انواع روابط بین نسلی، بررسی الگوهایی است که توسط رسانه‌ها برای افراد جامعه فرستاده می‌شود. مطالعه حاضر تلاش دارد که روابط به تصویر کشیده شده بین نسلی در سریالهای تلویزیونی از منظر قدرت و به تفکیک جنسیت و دوره زندگی مورد بررسی قرار دهد.

#### پیشینه تحقیق

مقاله حاضر در زمره اولین مطالعات با موضوع تعاملات بین نسلی و قدرت است. بر اساس موضوع مورد بررسی پیشینه این مطالعه را باید در مطالعات انجام شده در حوزه قدرت در خانواده و نیز روابط بین نسلی بررسی کرد. در بررسی‌هایی که به منظور مطالعه سابقه پژوهش حاضر صورت گرفت، مشاهده شد که در عمده مطالعات انجام شده تنها به یک جنبه از موضوع پژوهش حاضر پرداخته شده است. مطالعات انجام شده در کشور در حوزه روابط خانوادگی و قدرت اغلب معطوف به روابط زناشویی و قدرت در این حوزه است. قادری در تحقیق با عنوان «بررسی عوامل اقتصادی- اجتماعی موثر بر ساخت قدرت در خانواده» به این نتیجه رسید که تحصیلات شوهر و منزلت شغلی او بر الگوی تصمیم‌گیری در خانواده تاثیر دارد و آنرا متعادل تر می‌کند (قادری، ۱۳۷۵). ذولفقار پور در مطالعه خود با عنوان «بررسی ارتباط میان ساختار قدرت در خانواده با رضایتمندی زناشویی بین زنان کارمند و خانه‌دار شهر تهران» نشان داده است که بین ساختار قدرت خانواده و ۱

- تحصیلات زن ۲ - طول دوره زندگی زناشویی ۳ - درآمد شوهر ۴ - درآمد زن رابطه معناداری وجود دارد (ذولفقاریور، ۱۳۸۰). مهدوی و صبور خسروشاهی به بررسی ساختار قدرت در خانواده های تهرانی پرداخته اند. آنها ساختار قدرت را در سه بعد میزان تقارن قدرت، حوزه قدرت و حوزه تصمیم گیری اندازه گرفته اند. نتایج نشان می دهد که ۳۴٪ از خانواده ها دارای تقارن زیاد یا خیلی زیاد، ۳۶٪ در حالت بینابینی و ۳۰٪ تقارن کم یا خیلی کم دارند. (مهدوی؛ صبوری خسروشاهی، ۱۳۸۲)

عنایت و سروش در مطالعه خویش با عنوان «میزان و نوع مقاومت زنان در رویارویی با ساختار قدرت در زندگی روزمره»، دریافته اند که بین مقاومت و قدرت در زندگی زناشویی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. یعنی هر چه زنان خانه دار از قدرت بیشتری برخوردار باشند، مقاومت کمتری از خود نشان می دهند. همچنین بین سن و تحصیلات زنان و میزان قدرت زنان در خانواده رابطه وجود دارد (عنایت و سروش، ۱۳۸۸، ص ۸۵). اعزازی با اشاره به چگونگی تربیت فرزندان و تاثیر آن در روابط آینده در اجتماع به درستی آورده است: در بررسی مطالعات خانواده، روابط خانوادگی و چگونگی تربیت فرزندان در جوامع مختلف بر روی چگونگی تبدیل موجودات انسانی به موجودات اجتماعی متمرکز بوده اند و تاثیر تجربه های دوران کودکی بر روی سرشت آینده انسان را مطرح می نمایند .... چگونگی برخورد والدین با فرزندان زمینه ساز ساخت شخصیت انسان است (اعزازی، ۱۳۷۶، ص ۶۳).

## ادبیات نظری

### روابط نسلی:

در نیمه اول دهه هشتاد موضوع و بحث نسل ها به طور جدی توجه جامعه شناسان را به خود جلب نمود. نگاه یک نسل، چگونگی و نحوه شکل گیری نسل ها توسط نظریه پردازان مختلفی در آن سالها مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. نظریه پردازانی چون مانهایم، اینگلهارت و ترنر تحولات نسلی را به منزله عنصر اساسی تحول اجتماعی فرهنگی در نقد از تاثیرات اقتصادی و جبرگرایانه را برای تبیین دگرگونی های ارزشی بین نسلها استفاده نموده اند. گیدنز تعریف خاصی از «نسل»، ارائه کرد. او نسل ها را همچون هم دوره ای های اجتماعی که در طول زمان ترسیم شده اند، در نظر می گیرد، اگر چه یک نسل به سال های زندگی نسبت داده می شود، ولی این نوع تعریف از نسل ها صرفاً معطوف به سال یا تجربه زندگی گروهی است. بوردیو توجه خاصی به

ایده فرهنگ جمعی و مشترک در ارتباط با مفهوم نسل داشت وی همچنین به احساسات، رجحان ها و خلق و خو و مجموعه ای از اعمال از قبیل ورزش و فعالیت های تفریحی حافظه جمعی تاکید کرد و معتقد بود که این عوامل خلق فرهنگی یا سنت نسلی را تعیین می کنند.

در کار آنتونی گیدنز می توان به تعریف خاصی از «نسل»، دست پیدا کرد. او نسل ها را همچون هم دوره ای های اجتماعی که در طول زمان ترسیم شده اند، در نظر می گیرد، اگر چه یک نسل به سال های زندگی نسبت داده می شود، ولی از این نوع تعریف از نسل ها جوهر جامعه شناختی بدست نمی آید. زیرا نسل ها صرفاً معطوف به سال یا تجربه زندگی گروه نیست همانطور که زیگوند باومن در کتاب خاطرات طبقه<sup>۱</sup> (۱۹۸۲) بیان کرده است. هدف او فهمیدن این نکته است که چگونه حافظه نسل ها در فرآیند نهادی شدن از طریق مراسم و روایت های جمعی ساخته می شود. به نظر او تمایزات حافظه از طریق مراسم و روایت های جمعی ساخته می شود.

در عصر جدید مفهوم «نسل» رفته رفته فقط در برابر پس زمینه ای از زمان استاندارد شده معنی پیدا می کند به عبارت دیگر ما اینک فقط از نسل دهه پنجاه یا نسل شصت قرن حاضر و غیره سخن می گوئیم. توالی زمانی به این معنا دیگر چندان شباهتی به فرایندهای انتقال گروهی در اعصار گذشته ندارد. در جوامع سنتی، دوره زندگی علاوه بر معنای صریح خود دلالت های تکنوینی دیگری دارد که به خصوص مفهوم از نو شروع کردن<sup>۲</sup> از آن ها استنباط می شود. زیرا تکرار روش های گذشته تنها در صورتی تحقق می یابد که آن روش ها به طور بازتابی قابل توجه باشد (گیدنز، ۱۳۷۹، ص ۲۰۷). گیدنز در اینجا علاوه بر توجه به عنصر زمان به فرار بودن جامعه به عنوان ویژگی جوامع متجدد و نیز نوعی مرخص شدن از گذشته نیز توجه دارد نکته قابل تأمل در اندیشه گیدنز در این ایده که نسل جدید به لحاظ اخلاقی نسبت به نسل قبلی دچار مشکل است می باشد او پاسخ به این پرسش که آیا شاهد ظهور یک نسل، «من» خواهیم بود که ارزش های مشترک و علایق عمومی را نابود می کنند و در آن ها فردگرایی مفرط و شدید وجود خواهد داشت عنوان می کند. نسل «من» توصیف گمراه کننده ای از فردگرایی جدید است که نشانه ای از یک فرآیند فساد اخلاقی به دست نمی دهد. در واقع، برعکس، بررسی ها نشان می دهند که نسل های جوان امروز نسبت به نسل های پیش خود را به سنت ها ربط نمی دهند یا شکل های سنتی اقتدار را به مثابه عامل تعیین کننده هنجارهای شیوه زندگی نمی پذیرند. برخی از اینگونه ارزش های اخلاقی در مفهوم اینگلهارت به روشنی فرامادی هستند (آزاد، ۱۳۸۳، صص ۲۸-۳۱).

در دهه هشتاد اینگلهارت این ایده را مطرح می کند که در جوامع صنعتی مواجه با نوعی دگرگونی ارزشی هستیم. گرایش نسبت به ارزش های فرامادی تقویت گردیده و نسل جدید به ارزش های فرامادی اولویت بیشتری می دهد. در تبیین این دگرگونی ارزشی و نسلی به طراحی دو فرضیه<sup>۱</sup> پیش بینی کننده می پردازد که عبارتند از:

۱. فرضیه کمیابی<sup>۳</sup> که بنا بر آن اولویت های فرد بازتاب محیط اجتماعی اقتصادی اوست
۲. فرضیه اجتماعی شدن<sup>۴</sup> که اصل را بر این قرار می دهد که ارزش های اساسی فرد به شکل گسترده منعکس کننده شرایطی است که طی سال های قبل از بلوغش فراهم شده است. به نظر اینگلهارت فرضیه کمیابی به دگرگونی های کوتاه مدت با آثار دوره ای اشاره دارد. دوره های رونق به افزایش فرامادی گرایی و دوره های کمیابی به مادی گرایی می انجامد فرضیه اجتماعی شدن دلالت بر وجود آثار بلند مدت نسلی دارد (اینگلهارت و آبرامسون، ۱۳۷۸، ص ۶۲). به نظر اینگلهارت یکی از مؤلفه های مهم دگرگونی ارزشی جایگزینی نسلی است. اینگلهارت برای چرخه زندگی تأثیر چندانی قایل نیست و تفاوت های پایدار بین گروه های سنی را بازتاب دگرگونی نسلی می داند. و نظریه دگرگونی ارزشی که دلالت بر جابجایی اولویت های مادی به سمت اولویت های غیر مادی دارد را به توسعه اقتصادی جوامع ارتباط می دهد تا جایی که برای تأثیر نهادهای فرهنگی در این دگرگونی چندان وزنی قایل نیست. جوانان به مراتب بیشتر از بزرگترها برخواسته های فرامادی تأکید می ورزند و تحلیل گروه های سنی مبین این است که این موضوع به مراتب بیشتر بازتاب دگرگونی نسل ها تا انعکاس سالخوردگی است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱۱۵). اینگلهارت دگرگونی فرهنگی در چارچوب سمت گیری های ارزشی که منجر به تفاوت های نسلی می شود تعریف می نماید. در نتیجه دگرگونی های فرهنگی مهم به تفاوت در میان نسل ها می انجامد.

### قدرت

به گفته برتراند راسل قدرت تولید نتایج مورد نظر است (راسل، ۱۹۳۸، ص ۳۵). و بر در آنچه به طور مسلم مشهورترین تعریف قدرت است آورده: قدرت عبارت است از احتمال اینکه یک کنشگر در یک رابطه اجتماعی در موقعیتی باشد که اراده خود را به رغم مقاومت دیگران اعمال کند، صرف نظر از اینکه این احتمال بر چه مبنایی قرار دارد. کاربرد واژه «احتمال» توسط او اساسی است زیرا امکان می دهد که قدرت به طور بالقوه در نظر گرفته شود، تا اینکه انتظار کاربردش باشیم و مهمتر

اینکه آن به طور نسبی در نظر بگیریم و نه به طور مطلق. این بدان معناست که اگر چه قدرت در شرایطی، در یک زمینه صفر- مجموع عمل می کند یا به عبارتی سود یکی متناسب با زیان دیگری است، اغلب در یک وضعیت متغیر - جمع عمل می کند که در آن قدرت بر طبق شرایط و مقتضیات و توزیع منابعی که خود بر آن استوار است تغییر و توسعه می یابد. بنابر این و بر هر گونه نظریه ای را که به طور انحصاری قدرت را مبنای استفاده یا تهدید کاربرد زور مطرح می سازد، رد می کند و معتقد است عوامل دیگری می توانند تعیین کنند که آیا اراده یک فرد یا گروهی از افراد بر اراده فرد یا گروه دیگری از افراد مسلط شده است یا نه.

بیشتر نظریه های علوم اجتماعی، خواه بر آمار استوار باشد یا نباشد، بر حسب احتمال بیان می گردد و قدرت نباید استثنا باشد. همچنین در نظر گرفتن قدرت هم به منزله یک منبع و هم به مثابه یک فرایند سودمند است زیرا یکی به طور اجتناب ناپذیر دیگری را تکمیل می کند و امکان در نظر گرفتن کاربرد غیر موفقیت آمیز قدرت را نیز فراهم می آورد (راش، ۱۳۷۷، ص ۴۸). سؤالی که در اینجا مطرح می شود این است که چه کسی قدرت را اعمال می کند و این قدرت چگونه اعمال می شود و اصولاً چرا قدرت اعمال می گردد. نظریات مختلفی در این زمینه وجود دارد که تلاش نموده حداقل به یکی از پرسشهای مطروحه پاسخ گویند. ساده ترین پاسخ به نخستین پرسش را نظریه پردازان نخبگان مانند موسکا، پارتو و میلز<sup>۵</sup> ارائه داده اند به نظر آنان یک گروه منسجم از نظر اجتماعی قابل تشخیص، در یک جامعه معین بر اساس سودجویی آگاهانه قدرت را اعمال می کند (راش، همان). در عین حال مارکس و همفکرانش بر این اعتقاد بودند که قدرت توسط طبقه ای اجتماعی که وسایل تولید را در جامعه کنترل می کند، اعمال می گردد. در پاسخ به پرسش دوم که چگونه قدرت اعمال می شود صاحب نظران بر این باورند که اعمال قدرت بر شالوده هایی که قدرت بر آنها نهاده شده است، بستگی دارد. شاید قدرت بیشتر از همه در ارتباط با زور یا اجبار فیزیکی در نظر گرفته می شود، اما ممکن است بر منابع دیگری، به ویژه ثروت، منزلت، دانش، کاریزما و اقتدار استوار باشد. قدرت همچنین ممکن است اشکال دیگری نیز مانند اجبار، نفوذ و کنترل به خود بگیرد. اجبار نه تنها شامل توسل به زور یا تهدید به آن، بلکه همچنین شامل اجحاف، باجگیری، سلب مالکیت و مصادره اموال و داراییهاست؛ نفوذ نه تنها شامل ترغیب عقلانی، احترام و حرمتگذاری، بلکه همچنین شامل ارشاد و فساد است؛ و کنترل شامل پذیرش

این مسئله به هر دلیلی است که کسانی که در صدد اعمال قدرت هستند وسایل انجام این کار را دارند(راش، ۱۳۷۷، ص ۵۰).

در عمل اعمال قدرت هم برای کسانی که آنرا اعمال می کنند و هم برای کسانی که تابع آن هستند شامل هزینه و سود است. این هزینه و سود ممکن است که فردی یا جمعی یا هر دو باشد و ممکن است شامل تحمیل یا ضمانتهای اجرایی یا تهدید به توسل به آن یا دریافت وعده پاداش باشد. آنچه کمتر روشن است این است که اعمال قدرت تا چه اندازه متضمن انتخاب عقلانی است. بدون تردید، در بسیاری از موارد دست کم در محدوده دانش و اطلاعات در دسترس افراد درگیر این گونه است؛ اما قدرت ممکن است شکل خاص اقتدار یعنی پذیرش حق اعمال قدرت را به خود بگیرد و در نهایت، به جای تحلیل عقلانی مزایا و معایب شامل اطاعت بی چون و چرا شود. با وجود این آنچه مهم است این مسئله است که آیا قدرت در هر دو طرف معادله قدرت دانسته و آشکار اعمال می گردد یا نه(راش، ۱۳۷۷، ص ۵۱).

متفکران انتقادی از جمله مارکوزه و لوکاچ معتقدند که گرچه طبقات یا اقشاری خاص از جامعه دارای پتانسیل پراکسیس و عمل رهایی بخش هستند، اما در ابتدا باید به آگاهی یا خودآگاهی برسند و متفکران انتقادی (نخبگان) وظیفه دارند از طریق نقد زندگی و جامعه این آگاهی را ایجاد کنند. اما از نظر دوسرتو مقاومت در زندگی روزمره نوعی عمل نخبه گرایانه نیست، بلکه مقاومتی است که در نفس زندگی روزمره وجود دارد و در متن کردارهای عادی قابل مشاهده است. همانطور که ایده پیشرفت و عقل گرایی در مدرنیته همواره همراه و هم گام با انتقاد از اثرهای مصیبت بار پیش رفته اند، در زندگی روزمره نیز پذیرش و هم نوایی با قدرتی که روز به روز به صورتی پنهان تر بر همه شئون زندگی انسانها چنگ انداخته است، همواره همراه با مقاومت بوده است(عنایت و سروش، ۱۳۸۸، ص ۹۴).

هورکهایمر با احتیاط در ارائه ی تعریفی کلی و فاقد محتوا از اقتدار، می کوشد اصطلاح هایی را توضیح می دهد که در قالب آن ها می توان علت روابط اقتدار گرایانه در درون خانواده را بررسی کرد. به اعتقاد او، اقتدار «مقوله اساسی برای تاریخ» است. از رهگذر اقتدار است که "شور و شوق و هوس های انسان و قابلیت های سرشت نمایش مهور به روابط قدرت می شود و فرایند زندگی اجتماعی در هر دوره ای تحت همین روابط قدرت جریان می یابد" (میلر، ۱۳۸۲).

**روش شناسی**



یکی از روش‌های متداول در بررسی رسانه‌ها روش تحلیل محتواست. در این پژوهش نیز به منظور بررسی نحوه بازنمایی روابط نسلی در سریالهای تلویزیونی از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. تحلیل محتوا یک شیوه تحقیقی است که برای تشریح عینی، منظم و کمی محتوای آشکار پیام‌های ارتباطی (متن، تصویر، صدا، عکس و غیره) به کار می‌رود (Berelson, 1952:p 18). جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه سریال‌های پخش شده از شبکه‌های سراسری سیمای جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۵ است. انتخاب سریالها برای مطالعه حاضر از دو شبکه اول و سوم به صورت نمونه‌گیری هدفمند صورت گرفت. شبکه اول از حوزه انتشار سراسری و گستره نفوذ ملی برخوردار است و پوشش کشوری دارد. شبکه ۳، که ویژه برنامه‌های جوانان است و با رویکرد توجه به جوانان به تولید و تهیه برنامه اقدام می‌کند. بنابراین فرض بر این بوده است که این دو شبکه پیش‌تاز دیگر شبکه‌ها الگوهای روابط بین نسلی را برای جامعه بازنمایی می‌کنند و بیشترین بیننده را به خود اختصاص می‌دهند.

نمونه‌گیری از سریالها در دو مرحله انجام شد. ابتدا از هر شبکه دو سریال به صورت هدفمند انتخاب شد. در انتخاب سریالها، ژانر (موضوع) اجتماعی - خانوادگی معیار انتخاب نمونه بود و تلاش شد که سریالها با تنوع زمانی و دوره پخش مورد مطالعه قرار گیرند. لذا چهار سریال یعنی نرگس، صاحب‌دلان، نقش بر آب و اولین شب آرامش در سال ۱۳۸۴ از شبکه ۱ و ۳، پخش شده بودند، انتخاب شدند. بعد از انتخاب هدفمند سریالها از آنجا که سریالها، با توجه به مدت پخش، هدف تولید و تعداد قسمت‌ها با یکدیگر متفاوت بودند و امکان بررسی تمام قسمت‌های هر سریال امکانپذیر نبود، از نمونه‌گیری طبقه‌ای به تناسب تعداد قسمت‌های هر یک از سریالها صورت گرفت. در تحلیل محتوای فیلم و سریالها تعداد حداقل نمونه ۶۰۰ صحنه‌ای برای بررسی ضروری است. در تحقیق حاضر تعداد ۲۵ درصد صحنه‌ها یعنی ۹۴۴ صحنه به عنوان نمونه مورد مطالعه نهایی در مجموع ۴ سریال انتخاب شد و مورد بررسی قرار گرفت. واحد تحقیق در این مطالعه صحنه و واحد ثبت، وقوع هر رفتار و کنش (شامل کلامی و غیر کلامی) در بین شخصیت‌های مورد مطالعه بوده است.

برای سنجش روابط نسلی (توافقی، تعارضی و تفاوتی) در سریال‌های تلویزیونی پرسشنامه‌ای حاوی مقوله‌ها (متغیرها) و زیر مقوله‌ها تهیه شد و کدگذاران طبق دستورالعمل کدگذاری اقدام به تکمیل ماتریس کدگذاری بر اساس تماشای صحنه‌ها کردند. در پژوهش‌هایی که به روش

تحلیل محتوا انجام می شوند، به منظور رعایت اصل عینیت و اعتماد به کدگذاری مقوله ها، از روشهای مختلفی استفاده می شود که از آن جمله می توان به ضریب اسکات، روش تصنیف اشاره کرد. در مطالعه حاضر برای سنجش ضریب اعتماد از روش تصنیف یا دو نیمه کردن استفاده شده است. بدین ترتیب که ۲۰ درصد از حجم نمونه (۲۰ درصد از سریالهای مورد بررسی) به صورت اتفاقی به وسیله کدگذار دیگری مشاهده و کدگذاری مجدد انجام شد و نتایج کدگذاری اولیه با کدگذاری ثانویه با یکدیگر مقایسه شد. نتیجه نشان داد که در ۸۱ درصد از کدگذاری ها مشابه و یکسان بوده است. بنابر این در پژوهش حاضر ضریب قابلیت اعتماد ۸۱٪ محاسبه گردید که نشان دهنده عینیت بالای مقوله ها و جامع و مانع بودن آنهاست.

**مفاهیم و متغیرهای تحقیق:** در پژوهش حاضر برای تحلیل محتوای روابط قدرت، دو رویکرد اصلی سلطه جو و سلطه پذیر در روابط بین نسلی در بین شخصیت‌های سریالها در سه گروه جوانان، میانسالان و سالمندان مورد بررسی قرار گرفت. از جمله متغیرهای مهم برای تحلیل محتوای سریالهای مورد بررسی در پژوهش حاضر هستند:

منظور از رابطه سلطه جو این است که شخصیت مورد بررسی در رفتارها و ارتباطات خویش با دیگران اعمال و تحمیل نظر و عقیده خود به دیگران نموده، و یا تلاش برای القای رفتار و گفتار خاص به دیگران، که متغیرهای مهم برای تحلیل شامل قوی و مقتدر بودن، استقلال مالی، پرخاشگری، دارای قدرت تصمیم گیری، اهل رقابت، تهدید کردن است.

منظور از رابطه سلطه پذیر این است که شخصیت مورد بررسی در رفتارها و ارتباطات خویش با دیگران تسلیم نظرات دیگران شده در برابر نظر و عقیده دیگران، مطیع بوده و نظرات دیگران را بپذیرند. متغیرهای مهم برای تحلیل شامل عدم توانایی در تصمیم گیری، سکوت در برابر توهین، وابستگی مالی، عدم اعتماد به نفس، احساس حقارت و تسلیم شدن است.

منظور از رابطه نسلی تفاهمی این است که نسلهای سالمند، میانسال و جوان با وحدت و همدلی در کنار یکدیگر به سر می برند و تفاوتی در نگرشهای بنیادی نسبت به مسائل فرهنگی، اجتماعی و هویتی وجود ندارد. شاخص های این رابطه شامل: گفتگوی رو در رو و صمیمی، تعامل کلامی،

<sup>۱</sup> شایان ذکر است در پژوهش اصلی برای سنجش روابط نسلی از چهار متغیر چگونگی ارتباط از منظر قدرت، نوع روابط از منظر کلامی و غیر کلامی، منظومه ارزشی در نسلها و بالاخره نوع روابط از منظر تفاهمی، تفاوتی و تعارضی استفاده شده است که مقاله حاضر محدود به متغیرهای قدرت است.

گوش دادن به سخنان همدیگر، همدلی، ارتباط غیر کلامی مانند لبخند، کنار هم نشستن و در مورد یک موضوع صحبت کردن و نیل به تصمیم مشترک. احترام متقابل هنگام ورود و خروج افراد، تایید سخنان و نظرات یکدیگر، همسویی و یکسان بودن ارزشهای در دو نسل، انتقال تجربیات و بینشهای نسلهای پیشین به نسلهای جدید و تاکید و کار بست آنها توسط نسل جدید، وجود همزیستی مسالمت آمیز، وجود آرامش حاکم بر روابط

منظور از رابطه نسلی تفاوتی جوان، میانسال و سالمند به اقتضای سن و دوره زندگی، نوع نیازها و خواسته ها و ارزشهایشان، نسبت به هم متفاوت است به این معنی که دو نسل در مبانی فرهنگی (ارزشها، هنجارها و باورها) با یکدیگر تفاهم داشته ولی در جزئیات با یکدیگر هم عقیده نمی باشند. در حقیقت بین آنان تغییر ارزشها رخ داده است که در عمل منجر به فاصله گرفتن از یکدیگر می شود. شاخص های رابطه تفاوتی: اعتقاد به مبانی دینی و تغییر در بعد مناسکی آن همچون شرکت نکردن در مراسم های سنتی، آیینی و مذهبی، به جای نیارودن آداب و رسوم سنتی و برعکس دارابودن نگرش و رفتار نو و متفاوت با والدین و بزرگترها، همسویی در مبانی ارزشی ولی تفاوت در نحوه عمل در ارزشهای مختلف اجتماعی، اقتصادی، دینی و قانونی. وجود نگرش ها و رفتارهای نو در فرزندان، تلاش برای ایجاد تغییر در نسل های دیگر، مشورت در تصمیم ها و رفتارها، تلاش برای گریز از سنت ها با حداقل درگیری.

منظور از رابطه نسلی تعارضی این است که افکار، اندیشه ها، دیدگاه ها، خواسته ها، رفتارها و اعمال یک نسل یا افراد در مقابل نسل دیگر قرار می گیرند، زیرا نیازها، خواسته ها، اهداف و ارزشهای آنها با یکدیگر متعارض است. به عبارت دیگر تعارض فرایندی است که در آن فردی در می یابد که شخص دیگری به طور منفی روی آن چیزی که او تعقیب می کند تأثیر گذاشته است. تعارض تقریباً همیشه با احساس عصبانیت، درماندگی، رنج، اضطراب یا ترس همراه است. موجب تضعیف عزت نفس می شود. توجه را از فعالیتهای مهم دور می سازد. موجب دو قطبی شدن افراد و کاهش همکاری می شود. منجر به رفتارهای مضر و غیر مسئولانه می شود. شاخص های تعارض: صحبت نکردن با یکدیگر، اعتنان کردن به یکدیگر، بدگویی یکدیگر، رد کردن و آگاهانه به تضعیف یکدیگر پرداختن، هنجار شکنی و درگیری با قوانین و مقررات و غیره است.

### یافته های تحقیق

جدول شماره (۱) نوع روابط درون نسلی بر حسب قدرت (سلطه جو و سلطه پذیر)

دوره زندگی نوع ارتباطات	جوانان با یکدیگر		میانسالان با یکدیگر		سالمنان با یکدیگر	
	فراوانی	در صد	فراوانی	در صد	فراوانی	در صد
سلطه جو	۱۰۶	۱۶/۶	۷۰	۱۹/۱	۲	۱۵/۴
سلطه پذیر	۳۲	۵	۳۸	۱۰/۴	۱	۷/۷
هیچکدام	۵۰۲	۷۸/۴	۲۵۹	۷۰/۶	۱۰	۷۶/۹
جمع	۶۴۰	۱۰۰	۳۶۷	۱۰۰	۱۳	۱۰۰
کل	۳۷۶	---	۳۷۶	---	۳۷۶	---

جدول بالا نوع روابط درون نسلی را بر حسب قدرت (سلطه جو و سلطه پذیر) نشان می دهد. گرچه بر اساس این جدول در اکثر موارد رابطه ای به لحاظ سلطه در بین طرفین مشاهده نشده است و تقریباً در نزدیک به سه چهارم از موارد فاقد رابطه به لحاظ سلطه بوده اند ولی در مواردی که ارتباط قدرت مشاهده شده است رابطه سلطه جویانه بیشتر از رابطه سلطه پذیر به ثبت رسیده است. سلطه پذیری درون نسلی جوانان حداقل موارد ثبت شده است. این در حالی است که یک دهم از روابط درون نسلی بین میانسالان دارای الگوی سلطه پذیری است (۱۰/۴٪). شخصیت ها در گروه سنی میانسال همچنین بیشترین درصد رابطه سلطه جویی را نیز به نمایش درآورده اند (۱/۱۹٪).

جدول شماره (۲) نوع روابط درون نسلی شخصیت های مونث بر حسب قدرت (سلطه جو و سلطه پذیر)

دوره زندگی نوع ارتباطات	جوانان با یکدیگر		میانسالان با یکدیگر		سالمنان با یکدیگر	
	فراوانی	در صد	فراوانی	در صد	فراوانی	در صد
سلطه جو	۲۴	۱۳/۴	۶	۱۶/۷	---	---
سلطه پذیر	۴	۲/۲	۱	۲/۸	---	---
هیچکدام	۱۵۱	۸۴/۴	۲۹	۸۰/۶	---	---
جمع	۱۷۹	۱۰۰	۳۶	۱۰۰	---	---
کل	۳۷۶	---	۳۷۶	---	۳۷۶	---

مطالعه جدول ۹۱-۴ نوع روابط درون نسلی شخصیت های مونث بر حسب قدرت (سلطه جو و سلطه پذیر) حکایت از این واقعیت دارد که در بیش از ۸۰ درصد از موارد رابطه ای به لحاظ سلطه بین شخصیت های مونث وجود نداشته است. همچنین بررسی رابطه درون نسلی شخصیت های مونث با یکدیگر نشان می دهد که تلاش میانسالان برای برقراری رابطه سلطه جویانه درون نسلی بیشتر از جوانان است.

الگوهای قدرت در روابط بین نسلی، بازنمایی سربالهای ایرانی تلویزیون: ..... ۱۳۱

جدول شماره (۳) نوع روابط برون نسلی شخصیت‌های مونث جوان بر حسب قدرت (سلطه جو و سلطه پذیر)

جوانان با میانسالان		جوانان با یکدیگر		دوره زندگی نوع ارتباطات
در صد	فراوانی	در صد	فراوانی	
۹/۵	۹	۱۳/۴	۲۴	سلطه جو
۶	۱۲	۲/۲	۴	سلطه پذیر
۸۴/۴	۱۶۸	۸۴/۴	۱۵۱	هیچکدام
۱۰۰	۱۹۹	۱۰۰	۱۷۹	جمع
---	۳۷۷۶	---	۳۷۷۶	کل

نوع روابط برون نسلی شخصیت‌های مونث جوان را با سایر شخصیت‌های مونث بر حسب قدرت (سلطه جو و سلطه پذیر) را نشان می‌دهد. بر مبنای این جدول تلاش جوانان برای برقراری رابطه سلطه جویان درون نسلی موفق‌تر است تا برون نسلی به طوری که بیش از ده درصد روابط درون نسلی از نوع سلطه جویانه است (۱۳/۴٪). جوانان کمتر قادر به برقراری رابطه سلطه جویانه با میانسالان بوده‌اند و کمتر از ده درصد از روابط فی‌ما بین سلطه جویانه بوده‌است. در ایجاد رابطه سلطه‌پذیری بین جوانان و میانسالان ۶ درصد از روابط سلطه‌پذیر بوده‌است.

جدول شماره (۴) نوع روابط برون نسلی شخصیت‌های مونث میانسال بر حسب قدرت (سلطه جو و سلطه پذیر)

میانسالان با یکدیگر		میانسالان با جوانان		دوره زندگی نوع ارتباطات
در صد	فراوانی	در صد	فراوانی	
۱۶/۷	۶	۱۳/۴	۲۴	سلطه جو
۲/۸	۱	۳/۶	۷	سلطه پذیر
۸۰/۶	۲۹	۸۳	۱۶۱	هیچکدام
۱۰۰	۳۶	۱۰۰	۱۹۴	جمع
---	۳۷۷۶	---	۳۷۷۶	کل

جدول فوق نوع روابط برون نسلی شخصیت‌های مونث میانسال با دیگران را بر حسب قدرت (سلطه جو و سلطه پذیر) نشان می‌دهد. بر اساس این جدول میانسالان مونث رابطه سلطه جویانه‌ای با جوانان و نیز با سایر میانسالان داشته‌اند گرچه در رابطه با میانسالان تقریباً موفق‌تر عمل نموده‌اند. این گروه رابطه سلطه‌پذیر محدودی داشته و در رابطه خویش با جوانان میزان سلطه‌پذیری بیشتر بوده‌است گرچه این رابطه بسیار ضعیف و محدود بوده‌است.

جدول شماره (۵)- نوع روابط درون نسلی شخصیت‌های مذکر بر حسب قدرت (سلطه جو و سلطه پذیر)

سالمندان با یکدیگر		میانسالان با یکدیگر		جوانان با یکدیگر		دوره زندگی نوع ارتباطات
در صد	فراوانی	در صد	فراوانی	در صد	فراوانی	
۱۲/۵	۱	۳۳/۷	۳۴	۲۹/۸	۲۵	سلطه جو
---	---	۸/۹	۹	۳/۶	۳	سلطه پذیر
۸۷/۵	۷	۵۷/۴	۵۸	۶۶/۷	۵۶	هیچکدام
۱۰۰	۸	۱۰۰	۱۰۱	۱۰۰	۸۴	جمع
---	۳۷۶	---	۳۷۶	---	۳۷۶	کل

بررسی رابطه درون نسلی شخصیت‌های مذکر در سریال‌های مورد مطالعه از منظر قدرت (سلطه جو و سلطه پذیر) نشان می‌دهد که در بیش از نیمی از روابط درون نسلی تلاشی بر اعمال قدرت صورت نمی‌پذیرد. نگاهی به جدول ۵- که نوع روابط درون نسلی شخصیت‌های مذکر بر حسب قدرت (سلطه جو و سلطه پذیر) نشان داده می‌توان دریافت که میانسالان مذکر بیشترین رابطه سلطه جویانه درون نسلی را داشته‌اند به طوری که بیش از یک سوم روابط آنان رابطه سلطه جویانه بوده است. در رتبه بعدی جوانان مذکر قرار دارند و سالمندان مذکر کمترین روابط سلطه جویانه را بایکدیگر نشان داده‌اند. در حالیکه شخصیت‌های مذکر میانسال رابطه سلطه جویانه بیشتری نسبت به سایر گروه‌های سنی داشته‌اند، آنان همچنین دارای بیشترین رابطه سلطه پذیری نیز بوده‌اند. حدود یک دهم از روابط فی ما بین آنان رابطه سلطه پذیر است.

جدول شماره (۶) نوع روابط برون نسلی شخصیت‌های مذکر بر حسب قدرت (سلطه جو و سلطه پذیر)

جوانان با میانسالان		جوانان با یکدیگر		دوره زندگی نوع ارتباطات
در صد	فراوانی	در صد	فراوانی	
۲۰/۱	۳۳	۲۹/۸	۲۵	سلطه جو
۱۹/۵	۳۲	۳/۶	۳	سلطه پذیر
۶۰/۴	۹۹	۶۶/۷	۵۶	هیچکدام
۱۰۰	۱۶۴	۱۰۰	۸۴	جمع
---	۳۷۶	---	۳۷۶	کل

جدول شماره (۶) نشان دهنده نوع روابط برون نسلی شخصیت‌های مذکر بر حسب قدرت (سلطه جو و سلطه پذیر) می‌باشد. همانگونه که جدول نشان می‌دهد جوانان با یکدیگر رابطه سلطه جویانه بیشتری داشته‌اند ولی قادر به برقراری سلطه جو با میانسالان نبوده‌اند به طوری که مجموع روابط

الگوهای قدرت در روابط بین نسلی، بازنمایی سربالهای ایرانی تلویزیون:..... ۱۳۳

سلطه جویانه و سلطه پذیر بین شخصیتهای جوان و میانسال تقریباً مساوی است. گرچه آنان در ۴۰ درصد از روابط تلاش به برقراری رابطه به لحاظ سلطه با میانسالان داشته اند.

جدول شماره (۷) نوع روابط برون نسلی شخصیتهای مذکور بر حسب قدرت (سلطه جو و سلطه پذیر)

میانسالان با جوانان		میانسالان با یکدیگر		دوره زندگی نوع ارتباطات
فرآوانی	در صد	فرآوانی	در صد	
۶۳	۳۸	۳۴	۳۳/۷	سلطه جو
۱۳	۷/۸	۹	۸/۹	سلطه پذیر
۹۰	۵۴/۲	۵۸	۵۷/۴	هیچکدام
۱۶۶	۱۰۰	۱۰۱	۱۰۰	جمع
۳۷۶	---	۳۷۶	---	کل

جدول شماره (۷) نوع روابط برون نسلی شخصیتهای مذکور بر حسب قدرت (سلطه جو و سلطه پذیر) نشان می دهد. همانگونه که در جدول پیداست میانسالان تلاش دارند که رابطه برقرار شده با جوانان و حتی سایر میانسالان از نوع سلطه جو باشد بنابر این مشاهده می شود بیش از یک سوم تا حدود ۴۰ درصد از روابط فی ما بین سلطه جویانه است که این ویژگی در سایر گروه های نسلی مشاهده نمی شود.

جدول شماره (۸) رابطه بین چگونگی روابط بین نسلی و اعمال قدرت به تفکیک دوره زندگی

دوره زندگی		جوان		میانسال		سالمند		
نوع رابطه	Cramer's V	سلطه پذیر	سلطه جو	سلطه پذیر	سلطه جو	سلطه پذیر	سلطه جو	
		تفاهمی	۰/۰۰۲	۱۷	۲۹	۲۰	۴	۱
تفاوتی		۷	۱۸	۱۴	۱۵	۱	۱۲	
تعارضی		۶	۵۸	۲۰	۴۶	۰	۱۲	
مجموع		۳۰	۱۰۵	۵۴	۶۵	۳	۲۵	
تفاهمی				۲۱	۲۲	۳	۱	۰/۰۰۱
تفاوتی				۰	۱۰	۰	۴	
تعارضی				۱۶	۳۷	۰	۱۳	
مجموع				۳۷	۶۹	۳	۱۸	

بی تردید اعمال قدرت خالی از تعارض نیست. بررسی چگونگی رابطه بین نسلی و نوع رابطه از منظر قدرت در جدول ۸ آمده است. همانگونه که در جدول نشان داده شده بدون توجه به دوره زندگی نوع روابط سلطه جویانه اغلب در روابط تعارضی بین نسلی مشاهده و ثبت شده است. به گونه ای که در بیش از نیمی از روابطی که همراه با اعمال قدرت و با تلاش ایجاد رابطه سلطه

جویانه در بین جوانان مشاهده شده رابطه غالب از نوع تعارضی بوده است. مانند سایر جداول در این جدول نیز رابطه تعارضی بین نسلی میانسالان به دلیل بکارگیری رابطه سلطه جویانه بوده است که در بیش از نیمی از روابط آنان با سایر نسلها به تصویر کشیده شده است.

### نتیجه گیری

به گفته برتراند راسل (۱۹۳۸، ۳۵) قدرت تولید نتایج مورد نظر است (راش، ۱۳۸۳، ص ۴۶). و بر در آنچه به طور مسلم مشهورترین تعریف قدرت است، قدرت را چنین تعریف می کند: قدرت عبارت است از احتمال اینکه یک کنشگر در یک رابطه اجتماعی در موقعیتی باشد که اراده خود را به رغم مقاومت دیگران اعمال کند، صرف نظر از اینکه این احتمال بر چه مبنایی قرار دارد. کاربرد واژه احتمال توسط او اساسی است؛ زیرا امکان می دهد که قدرت به طور بالقوه در نظر گرفته شود، تا اینکه در انتظار کاربردش باشیم (راش، ۱۳۸۳، صص ۴۷-۴۸). در مطالعه حاضر نوع روابط در صحنه بر حسب قدرت (سلطه جو و سلطه پذیر) از متغیرهای مورد بررسی است. چگونگی روابط قدرت در روابط بین نسلی موثر بوده و شخصیت های هر نسل تلاش دارند که از طریق اعمال قدرت ارزش های خویش را به نسلهای دیگر تحمیل نمایند.

جدول شماره (۹) شمای کلی نوع روابط در صحنه بر حسب قدرت (سلطه جو و سلطه پذیر) - بر مبنای درصد

دوره های زندگی	نوع روابط	جوان			میانسال			سالمند	
		سلطه جو	سلطه پذیر	هیچکدام	سلطه جو	سلطه پذیر	هیچکدام	سلطه جو	سلطه پذیر
جوان		۱۶/۶	۵	۷۸/۴	۱۵/۸	۱۲/۴	۷۱/۸	۲۱/۷	۷۵/۷
میانسال		۲۵/۷	۴/۷	۶۹/۶	۱۹/۱	۱۰/۴	۷۰/۶	۲۷/۱	۶۸/۶
سالمند		۶/۲	۸/۸	۸۵	۱۰/۳	۸/۸	۸۰/۹	۱۵/۴	۷۶/۹

بررسی روابط بر حسب قدرت نشان می دهد که کدام نسل تلاش دارد که ارزشها و نگرش های خود را به دیگر نسل ها تحمیل نماید. همچنین نشان می دهد که کدام نسل بیشتر در این رابطه سلطه پذیر بوده و این تحمیل را می پذیرد. بررسی این نوع رابطه بر اساس جنسیت نشان خواهد داد که در سریال ها الگوهای سنتی قدرت حاکم است و یا الگوهای نوینی را برای جامعه ارسال می نمایند. بررسی این روابط در بین شخصیت های جوان نشان می دهد که این شخصیت ها رابطه سلطه جویانه ای با یکدیگر دارند و رابطه سلطه پذیر درون نسلی بسیار محدود مشاهده شده است. در بین شخصیت های میانسال رابطه درون نسلی بر حسب قدرت حکایت از این واقعیت دارد که



بیش از نیمی از روابط فی ما بین درون نسلی از نوع سلطه جویانه است و در کمتر از نیمی رابطه سلطه پذیر مشاهده شده است. در بین شخصیت های سالمند نیز برای روابط درون نسلی بر حسب قدرت نشان می دهد که این در دوسوم روابط سلطه جویانه بوده و در یک سوم نیز رابطه سلطه پذیر به ثبت رسیده است.

بررسی رابطه قدرت درون نسلی در این سریال ها نشان می دهد که در اکثر موارد رابطه ای به لحاظ سلطه در بین طرفین مشاهده نشده است و تقریباً در نزدیک به سه چهارم از موارد فاقد رابطه به لحاظ سلطه بوده اند ولی در مواردی که ارتباط قدرت مشاهده شده است رابطه سلطه جویانه بیشتر از رابطه سلطه پذیر به ثبت رسیده است. سلطه پذیری درون نسلی جوانان حداقل موارد ثبت شده است. این در حالی است که یک دهم از روابط درون نسلی بین میانسالان دارای الگوی سلطه پذیری است (۱۰/۴٪). شخصیت ها در گروه سنی میانسال همچنین بیشترین درصد رابطه سلطه جویی را نیز به نمایش درآورده اند (۱۹/۱٪).

بررسی روابط بین نسلی جوانان با سایر شخصیتها بر حسب قدرت (سلطه جو و سلطه پذیر) تلاش شخصیت های جوان برای ایجاد روابط سلطه جویانه مشهود است این امر به ویژه در ارتباطات بین شخصیتهای جوان و سالمند با درصد بالاتری به ثبت رسیده است (۲۱/۷٪). شخصیتهای جوان سریالهای مورد بررسی همچنین رابطه سلطه جویانه ای با یکدیگر نشان داده اند (۱۶/۶٪). نکته قابل تامل در یافته های ارائه شده در جدول فوق رابطه سلطه پذیری جوانان با میانسالان است که بالاترین درصد سلطه پذیری را به خود اختصاص داده است (۱۲/۴٪).

شخصیت های میانسال در این سریالها تلاش زیادی برای برقراری رابطه سلطه جویانه بین نسلی با دیگر شخصیتها داشته اند به طوری که بیش از یک چهارم روابط ثبت شده بین میانسالان و سالمندان (۲۷/۱٪) و میانسالان و جوانان (۲۵/۷٪) رابطه سلطه جویانه بوده است. رابطه درون نسلی نیز با درصد کمتری از الگوی مشابهی پیروی می کند. این گروه سنی تنها در ارتباط با همدموره ای های خود (سایر شخصیتهای میانسال) سلطه پذیر بوده اند. بنابراین شخصیتهای میانسال بیشترین رابطه سلطه جویی را با دیگر شخصیتها داشته اند ولی تنها با شخصیتهای دیگر میانسال رابطه سلطه پذیر برقرار نموده بودند.

شخصیتهای مونث در بیش از ۸۰ درصد از موارد رابطه ای به لحاظ سلطه با یکدیگر نداشته اند. همچنین بررسی رابطه درون نسلی شخصیتهای مونث با یکدیگر نشان می دهد که تلاش میانسالان

برای برقراری رابطه سلطه جویانه درون نسلی بیشتر از جوانان است. همچنین در روابط بین نسلی جوانان مونث برای برقراری رابطه سلطه جویان درون نسلی موفق تر هستند تا برون نسلی به طوری که بیش از ده درصد روابط درون نسلی از نوع سلطه جویانه است (۱۳/۴٪). جوانان مونث کمتر قادر به برقراری رابطه سلطه جویانه با میانسالان مونث بوده اند. برعکس میانسالان مونث رابطه سلطه جویانه ای با جوانان و نیز با سایر میانسالان داشته اند.

در حالی که حدود یک چهارم روابط موجود در سریالهای مورد بررسی در حوزه روابط قدرت قرار می گیرند، در بین شخصیت‌های مذکر روابط قدرت بیشتری وجود دارد. به طوری که فقط در بیش از نیمی از روابط درون نسلی تلاشی بر اعمال قدرت صورت نمی پذیرد. می توان دریافت که میانسالان مذکر بیشترین رابطه سلطه جویانه درون نسلی را داشته اند به طوری که بیش از یک سوم روابط آنان رابطه سلطه جویانه بوده است. در رتبه بعدی جوانان مذکر قرار دارند و سالمندان مذکر کمترین روابط سلطه جویانه را با یکدیگر نشان داده اند. در حالیکه شخصیت‌های مذکر میانسال رابطه سلطه جویانه بیشتری نسبت به سایر گروه‌های سنی داشته اند، آنان همچنین دارای بیشترین رابطه سلطه پذیری نیز بوده اند. حدود یک دهم از روابط فی ما بین آنان رابطه سلطه پذیر است.

جوانان مذکر با یکدیگر رابطه سلطه جویانه بیشتری داشته اند ولی قادر به برقراری سلطه جو با میانسالان نبوده اند به طوری که مجموع روابط سلطه جویانه و سلطه پذیر، بین شخصیت‌های جوان و میانسال تقریباً مساوی است. گرچه آنان در ۴۰ درصد از روابط تلاش به برقراری رابطه به لحاظ سلطه با میانسالان داشته اند.

#### پی نوشت ها

1-Memories of Class  
2-Renewal  
3-Scarcity hypothesis

4-Socialization hypothesis  
5-Mills

#### منابع

آزادارمکی، تقی؛ زند، مهناز؛ و خزاعی، طاهره (۱۳۸۲). «روند تغییرات فرهنگی اجتماعی خانواده تهرانی طی سه نسل»،

مجله علمی پژوهشی علوم انسانی شماره: ۴۴-۴۵، زمستان ۸۱ و بهار ۸۲

آزادارمکی، تقی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳). **جامعه شناسی نسلی در ایران**. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی،

آزادارمکی، تقی، (۱۳۸۶). **فرآیند تغییر نسلی بررسی فراتحلیلی در ایران**. **دوفصلنامه تخصصی جوانان و مناسبات**

الگوهای قدرت در روابط بین نسلی، بازنمایی سربالهای ایرانی تلویزیون:.....۱۳۷

نسلی، شماره اول، بهار و تابستان.

آزادارمکی، تقی؛ اعتمادی فرد، سید مهدی (۱۳۸۷) روابط نسلی در سینمای جنگ ایران (با تاکید بر سینمای حاتمی

کیا). فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات. سال چهارم، ش ۱۲، پاییز

اعزازی، شهلا (۱۳۷۶) جامعه شناسی خانواده با تاکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران

معاصر. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان،

اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳) تحول فرهنگی در جامعه صنعتی. ترجمه مریم وتر. تهران: نشر کویر،

بالس، کریستوفر (۱۳۸۵). ذهنیت بین نسلی دیدگاهی روانکاوانه درباره اختلاف نسل ها. ترجمه حسین پاینده. ارغنون.

شماره ۳۸

برتراند راسل (۱۳۷۱). قدرت. ترجمه نجف دریابندی. تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چاپ سوم.

جعفرزاده پور، فروزنده (۱۳۸۸) کند و کاو در مسائل جوانان و مناسبات نسلی. جلد. تهران: پژوهشگاه علوم

انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی،

چیت ساز قمی، محمد جواد (۱۳۸۶). بازشناسی مفاهیم نسل و شکاف نسلی. دوفصلنامه جوانان و مناسبات نسلی.

شماره اول، بهار و تابستان

دیباچی، فاطمه [و دیگران] (۱۳۸۴). سیمای مخاطبان صدا و سیما در سال ۱۳۸۳. تهران: مرکز تحقیقات مطالعات و

سنجش برنامه ای اداره کل پژوهشهای اجتماعی و سنجش برنامه ای، شماره ۹۸.

راش، مایکل (۱۳۷۷) جامعه و سیاست مقدمه ای بر جامعه شناسی سیاسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: سمت،

زین آبادی، مرتضی (۱۳۷۷). "بررسی سلسله مراتب ارزشی پدران و پسران در خانواده های ساکن شهرستان مشهد و

عوامل مؤثر بر آن". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی

قادری، فرحناز (۱۳۷۵). "بررسی عوامل اقتصادی- اجتماعی مؤثر بر ساختار قدرت در خانواده". پایان نامه کارشناسی

ارشد، دانشگاه شیراز.

ذوالفقار پور، محبوبه (۱۳۸۰). "بررسی ارتباط میان ساختار قدرت در خانواده با رضایتمندی زناشویی بین زنان کارمند و

خانه دار شهر تهران". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم تربیتی،

عنایت، حلیمه، و سروش، مریم (۱۳۸۸). میزان و نوع مقاومت زنان در رویارویی با ساختار قدرت در زندگی روزمره.

پژوهش زنان. دوره ۷، ش ۲، تابستان

مهدوری، محمد صادق، و صبوری خسروشاهی، حبیب (۱۳۸۲). بررسی ساختار قدرت در خانواده های تهرانی.

مطالعات زنان، جلد ۱، ش ۲.

میلر، پیتر (۱۳۸۲). سوژه، استیلا و قدرت در نگاه هورکهایمر، ماکوزه، هابرماس و فوکو. ترجمه نیکو

سرخوش و افشین جهانانیده. تهران: نشر نی،

---

<sup>1</sup> Memories of Class

<sup>2</sup> Renewal

<sup>3</sup> Scarcity hypothesis

<sup>4</sup> Socialization hypothesis

<sup>5</sup> Mills

Archive of SID